



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد.



۲۰۲۱/۱۲/۲۱

محمد یونس

## میوند وال و حامیانش



### شهید میوندوال و لیندن جانسن رئیس جمهور امریکا: طرز نشست غیر دیپلماتیک و صحبت خودمانی

میوند وال نه یک دموکرات بود و نه یک انسان واقعاً ملی. میوندوال یک غریب بچه بود، چطور توانست زینه های پیشرفت را در نظام شاهی آنوقت به سرعت ببیماید؟ شما میدانید که در سالیان اول نظام شاهی بعد از بچه سقو، دکتاتوری وحشتناکی در افغانستان حکمفرما بود که کمتر کسی جرئت مخالفت با نظام آنوقت را داشت. روی همین دلیل تعداد زیاد از مبارزان راه آزادی سر به نیست شدند. در چنین یک فضای مختنق، پیشرفت کار آسانی نبود ولو که یک شخص لایق هم می بود.

از بزرگان آگاه شنیدم که استاد سلجوقی یکی از کسانی بود که برای نظام طرفدار و جاسوس جلب میکرد و اشخاص خوش کرده را زیر نظر و تربیه می گرفت. باز هم به قول بزرگان استاد سلجوقی سه نفر را مانند آقای رشتیا، آقای پژواک و شهید میوندوال را در استخدام گرفت و آنها را برای نظام پرورش داد. در افغانستان میوندوال را به نام مخیر سی ساله می گفتند. ناممکن است که نظام شاهی آنوقت کسی را در پست های حساس بگمارد بدون اینکه سرسپردگی نداشته باشد. این یک اصل کلی در تمام نظام ها است. اینکه شهید میوندوال بعد از صدراعظم شدن از نظام رو بر می گرداند، خود به یک تحلیل جداگانه ضرورت دارد. اما این معمول است هر کسی که از صحنه بدور انداخته شود، مخالف آن نظام میشود. بایست گفت که وظایف شهید میوندوال در خارج از کشور، برای او دوستان زیاد خارجی را خلق نمود که فکر میشود در خط سیر حیات سیاسی اش بی تأثیر نبوده است.

وظیفه میوند وال به حیث سفیر افغانستان در واشنگتن او را به دستگاه استخباراتی امریکا نزدیک ساخت. امریکا در آن زمان در کشور های جهان سوم زیاد نفوذ نداشت اکثر این کشور های هنوز هم زیر تأثیر انگلیس بودند. امریکا می خواست بعضی ها را زیر تربیه بگیرد چنانچه می گویند که داکتر امینی صدراعظم ایران را در خدمت گرفت تا بتواند کودتای علیه شاه ایران به راه اندازد. شاه ایران از سابق در خدمت برتانیه بود. در این جا تقابل سی آی ای و ام آی 6 انگلیس دیده میشود.

اینکه امروز یک عده از حامیان میوندوال می خواهند که از او یک فرد استثنائی بسازند، یک موضوع کاملاً شخصی آنها است. یک عده به شمول آقای مومند که در زمان کار و محصلی شان در پوهنتون کابل بعد از آوازه ارتباط میوندوال به سی آی ای در مظاهرات با سایر چپی های آنوقت شعار ضد میوندوال را سر میدادند و حالا می خواهند که به مکر و فریب به حال وی خون گریه کنند. طوریکه هم صنفان آقای مومند می گویند او همراه با یک نفر از قره باغ به نام محمد آصف خاوری شعار های ضد میوند وال را به خاطر سی آی بودنش میدادند. همان اشخاص ضد نظام شاهی هم بودند و حالا می خواهند که نادر شاه را بالاتر از شاه امان الله معرفی نمایند. آقای مومند در زمان نشر جلد اول تاریخ استاد شهیر مرحوم غبار، این کتاب را ستایش میکرد. لکن بعد از نشر جلد دوم در امریکا و افشای روش های ضد انسانی پیشوای نژاد پرستش، به ناسزاگویی به آن شخصیت بزرگ تاریخ آغاز نموده است.

آقای مومند در زمان رویکار شدن جمهوریت شهید داوود خان، بسیار خوشحالی میکرد و آن را تحول بزرگ می دانست ولی حالا او را هجو می کند. یک عده انسان های ناآگاه دیگر با گذشته تاریک و مشکوک هم به بالا کشیدن استثنائی میوندوال و ملامت کردن داوود خان می پردازند. درین جا عقده ها و موضوعات شخصی را نمیتوان نادیده گرفت. عناصری به دفاع از میوند وال برخاسته اند که خود و حتا پدران شان سابقه رشوت خوری داشته و در گذشته همین مردم دشمن میوند وال بودند و کاسه ... داوود خان. اگر این ها شهادت می داشتند در همان زمان صدای مخالفت را علیه جمهوریت داوود خان بلند می کردند و تاریخ می ساختند. به مرده هر کس لگد می زند.

میوندوال مانند سایر رهبران کشور زیاد به دموکراسی عقیده نداشت. دلیلش هم این است که در زمان صدارتش با مخالفان به شدت رفتار می کرد تا آنها را از ابراز نظر علیه خودش مانع گردد. حساسیت نشان دادن شهید میوندوال هر کس را مظنون ساخت که چرا میوندوال بعد از "اتهام وارده" در مورد روابط احتمالی اش با سی آی ای، آنقدر عصبانی شده بود. ضرب المثل قدیم "دزد به سر خود پر دارد" در مورد میوند وال تطبیق می گردد. یک عده از افغان ملتی ها می گویند که بعد از افشای موضوع سی آی ای بودن میوند وال و انعکاس آن در جریده افغان ملت، میوند وال به غلام محمد فرهاد و برادرش قدرت الله حداد اخطار داد که به خدا شما را دو پاره می کنم.

اگر شهید داوود خان را در مورد قتل یا "خودکشی" میوند وال مقصر بدانیم، پس چرا ظاهر شاه را به ارتباط کشتار های کاکا هایش هاشم خان و شاه محمود خان مقصر نپنداریم. آیا خون بهای محمد هاشم میوند وال بالاتر از خون بهای ده ها هزار نفر است که در زمان نظام شاهی نابود شدند؟ البته این دلیل دفاع از نابودی میوند وال نیست.

می خواهم بدانم که چرا جمهوریت داوود خان صرف میوند وال و دوستان او را دستگیر کرد و یک عده را اعدام و یک عده را زندانی ساخت. دشمنان اصلی داوود خان کسانی بودند که در کمیته قانون اساسی سال 1964 فعالیت داشتند، مانند آقایان رشتیا، فرهنگ، حامد، شفیق و دیگران. در شب کودتا و روز های بعد، از تمام اینها، تنها شهید موسی شفیق مدتی زندانی بود که بعداً رها شد. هیچ فرد دیگر از گروه کمیته ای قانون اساسی که دشمنان اصلی داوود خان بودند صدمه ندید در حالیکه همیشه از جا دادن ماده 24 در قانون اساسی لاف می زدند که آنها داوود خان را از صحنه ای سیاسی کشیدند. در واقعیت این تصمیم پادشاه، کاکایش شاه ولی خان و عبدالولی دامادش بود و داوود خان این را میدانست که اعضای کمیته قانون اساسی آله دستی نبیندند. به هر صورت، اگر داوود خان در صدد انتقام گیری میبود، اول باید اعضای کمیته ای قانون اساسی را جزا میداد که نکرد. هر کس حق دارد نظری بدهد و نظر من هم همین است.